

# گذر از مرز

## بحثی انتقادی درباره «نویسندگان دو خواننده»

نسبتاً کم بود. هم‌چنین، این موضوع بی‌تردید، با شأن و منزلت نازل ادبیات کودک بی‌ارتباط نبوده است. تعداد قابل توجهی از کتاب‌های کودکان، بدون ذکر نام نویسنده، به چاپ می‌رسید.<sup>۲</sup> برای مردان، که از شأن و منزلت والای اجتماعی برخوردار بودند، نوشتن برای کودکان، امری ناپسندیده به شمار می‌رفت. دیدگاه عمومی، بر این بود که زنان، به دلیل رابطه نزدیک‌تری که با کودکان دارند، در زمینه نوشتن برای کودکان، شایسته‌تر و مناسب‌ترند.

در طول قرن نوزدهم، با شتاب گرفتن جریان، جدایی بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال، تقاضا برای کتاب کودک افزایش یافت. به همین دلیل، مشکل مالی تقلیل پیدا کرد و از تعداد «نویسندگان دو خواننده» کاسته شد. هر چند منزلت نازل اجتماعی ادبیات کودک تغییر نکرد. از طرفی، در دو دهه گذشته، تعداد نویسندگان دو خواننده، دوباره رو به افزایش نهاد. این امر، به ویژه در منطقه آلمانی زبان<sup>۳</sup> هلند، به نسبت مناطق دیگر، بیشتر به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup> در این منطقه، این روند رو به افزایش، با رهاسازی<sup>۵</sup> ادبیات کودک، بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، قابل تبیین است.

هم‌اکنون، فرم ادبی متن، در ادبیات کودک مورد توجه است، در حالی که در دهه ۱۹۷۰، توجه مردم معطوف به تعهد متن بود. از آغاز قرن بیستم، پیامد این رهاسازی ادبی، کاهش و تحلیل شکاف بین نوشتن برای کودکان و نوشتن برای بزرگسالان بود که در آن، بر فرم ادبی تاکید می‌شد.<sup>۶</sup> گالف (Galef)، نویسندگان دو خواننده را به سه دسته تقسیم می‌کند. به عقیده او فراوان‌ترین دسته، نویسندگانی هستند که برای بزرگسالان می‌نوشتند، اما به دلایلی، در طول حرفه خود، به نوشتن برای کودکان رو آوردند. نمونه چنین نویسنده‌ای رولد دال (Rold Dahl) است.

دومین دسته، نویسندگانی هستند که در جهت عکس گام

از همان آغاز شکوفایی ادبیات کودکان، به ویژه در نیمه قرن هجدهم، نویسندگانی بودند که هم برای کودکان و هم برای بزرگسالان قلم می‌زدند که از حالا به بعد «نویسندگان دو خواننده» نامیده می‌شوند.<sup>۱</sup> بنابراین، هنگامی که ادبیات کودک، به آرامی به سوی عرضه ادبیاتی مستقل گام بر می‌داشت، چنین نویسندگانی وجود داشتند. دلیل اینکه این نویسندگان، فقط برای کودکان نمی‌نوشتند، بلکه بزرگسالان را نیز مدنظر داشتند. مسئله مالی و پولی بود. در آن زمان، تعداد خوانندگان کودک (و نوجوان)

○ مترجم شهناز صاعلی

نویسنده Helma Van Lierop - Debrauwer

منبع: Transcending Boundaris E dited

by Sandra L. Beckett Newyork ۱۹۹۹

برداشته‌اند. آن‌ها به عنوان نویسنده کودک، کار را آغاز کردند، اما بعد تصمیم به نوشتن برای بزرگسالان گرفتند. گالف، راشل هوبن (Rosell Hoban) را به عنوان نمونه‌ای از این دسته ذکر می‌کند. گالف، از دسته سوم به عنوان نویسنده «چند نگاره»<sup>۷</sup> نام می‌برد؛ عنوانی که نشان‌دهنده نویسنده‌گانی است که اغلب، نوشته‌های کودک خود را با نوشته‌های بزرگسال خود ترکیب می‌کنند. ا. ا. میل‌نه (A. A. Milne)، یکی از این نویسندگان است. اگرچه از نیمه دوم قرن هجدهم، تعداد نویسندگان دو خواننده آلمانی زبان به مقدار چشمگیری افزایش یافت، شمار اندکی موفق به کسب رتبه بسیار ارزشمند و معتبری در دو نظام ادبی گردیده‌اند. تعداد زیادی از این نویسندگان، فقط در یکی از این دو حوزه (ادبیات کودک یا بزرگسال) آثار قابل ستایشی آفریده‌اند. با وجود این، در پانزده سال اخیر، بسیاری از نویسندگان، خود را در هر دو نظام ادبی تثبیت کرده‌اند.

سؤال این است که اگر نویسندگان دو خواننده معاصر، بر ارتباط بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال تأثیرگذار باشند، این تأثیر از چه جنبه است؟ و مشی و منش ایشان از چه طریق، شأن و منزلت نازل کنونی ادبیات کودک را در مقایسه با ادبیات بزرگسال، متحول و دگرگون می‌کند؟ پاسخ این سؤال نیازمند تجزیه و تحلیل طرز تلقی این نویسندگان است که در نقد و بررسی‌های اخیر و پژوهش‌های ادبی معاصر در نشریات هردو نظام ادبی، به چاپ رسیده است.

### پژوهش‌های ادبی

اولین نکته‌ای که در پژوهش‌های انجام شده در زمینه ادبیات کودک، در دهه ۱۹۸۰، به ذهن می‌رسد، توجه ساختاری به استقلال ادبیات کودک است. این شرح و بسط، سوالی را پیش می‌کشد که آیا حد و مرزهای سنتی بین ادبیات کودک و بزرگسال، هنوز وجود دارد یا نه؟ در این بحث، از نویسندگان دو خواننده، بارها به عنوان کسانی که این حد و مرز را در هم می‌شکنند، نام برده شده است:

«این که در چند ساله اخیر، مرزبندی بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال، بارها نقض گردیده، شاید بهترین نمونه داد و ستد مرزی باشد. نویسندگان، از هر دو حوزه که می‌خواهند شعاع تأثیر خویش را افزایش دهند، به سفر اکتشافی می‌روند. در هر حال، تعداد نویسندگان بزرگسال نویسی که در چند سال گذشته، یک یا دو کتاب برای کودکان به چاپ رسانده‌اند، نظر ما را به خود جلب می‌کند.»<sup>۸</sup>

اکثر نویسندگان که ون دین هون، (Hoven Von den ۱۹۹۴)، از ایشان نام می‌برد، نویسندگان هستند که در دسته اول تقسیم بندی گالف، قرار می‌گیرند. نویسندگان بزرگسال نویسی که در زمان مشخصی، اولین کار خود را در زمینه ادبیات کودک خلق کرده‌اند. به عنوان مثال: من سی ون کیولن (Mensje van Keulen)، سی اورد کوی پر (Sjoerd Kuiper)، تون تلی گن (Toon Tellegen)، نیکلاس مت سیر (Nicolaas Matsier)، ویلم ون تورن (Willem von Toorn)

در نظر برخی، به خصوص دانشگاهیان، بسط و گسترش ادبیات کودکان، دلیلی برای دفاع از این امر است که ادبیات کودک، باید مقام و منزلتی برابر با ادبیات بزرگسال داشته باشد. برخی از دانشمندان، حتی به تلفیق و ادغام ادبیات کودکان در ادبیات بزرگسال تمایل دارند.<sup>۹</sup>

در همان دوره، منتقدان ادبی که روی نظام ادبیات بزرگسالان کار می‌کردند، به ادبیات کودکان و داد و ستد مرزی بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال، توجه ساختاری چندانی نداشتند. گهگاه علایقی در این زمینه دیده می‌شود. مجله معتبری شماره خاصی را به ادبیات کودکان اختصاص داد<sup>۱۰</sup> (کراستر ۱۹۹۱ که مجله دوره‌ای درباره ادبیات بزرگسال است) و در برخی تاریخ‌های ادبیات، نویسندگان فقط به نوشتن یادداشت‌های پراکنده درباره یک نویسنده کودک اکتفا نکردند، بلکه شرح مختصر و نمایی کلی از پیشرفت‌های اخیر در زمینه ادبیات کودک ارائه دادند.<sup>۱۱</sup> ذکر این نکته ضروری

است که نویسندگان این متون، کسانی بودند که یا فقط در زمینه ادبیات کودک فعالیت داشتند و یا هم در نظام ادبیات کودک و هم در نظام ادبیات بزرگسال. در یکی از این مقالات، تعداد رو به رشد نویسندگان دو خواننده، آشکارا با نوسازی ادبیات کودک مرتبط شده است: این تغییر فضا، برای نویسندگانی که به طور سنتی برای بزرگسالان می‌نویسند، جذاب است.<sup>۱۲</sup> از طرفی این وضعیت به حوزه زبان آلمانی، منحصر نمی‌شود. برای مثال، در قلمرو زبان انگلیسی نیز این داد و ستد مرزی بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال، عمدتاً از سوی نظام ادبی کودک، مورد مذاقه قرار گرفته است. این در حالی است که تقریباً هیچ دلستگی‌ای به این داد و ستد، در نظام ادبی بزرگسالان دیده نمی‌شود. حداکثر این که چکیده‌هایی درباره ادبیات کودکان دارند و هر از چند گاهی، مجله‌ای که درباره ادبیات بزرگسالان است، یک شماره درباره کتاب‌های کودکان به چاپ می‌رساند.<sup>۱۳</sup>

### جوایز ادبی

از پایان دهه ۱۹۸۰ هر سال در آلمان دو جایزه مهم ادبی، در زمینه ادبیات کودکان، به نویسندگان برگزیده اهدا می‌شود:

لوح مداد طلایی و نقره‌ای (Golden and Silver Slate Pencil) و جایزه Libris Woutertje Pieterse، جایزه اخیر به دلیل نوآوری در زمینه ادبیات کودک، اهدا می‌شود، این جایزه توسط بنیاد Foundation Woutertje Pieterse و با ابتکار عمل و پیش قدمی تنی چند از منتقدان برجسته آلمانی که آرزو داشتند کتاب‌های کودکان، به عنوان یک ژانر ادبی کامل (و مستقل) پذیرفته شود، باب گردید. به این دلیل، آن‌ها خواستار جایزه برای کتابی با خاستگاه و منشأ آلمانی برای کودکان و نوجوانان شدند که از نظر زبان محتوا و نیز تصویر و تصویرگری، در سطح عالی باشد.

یک نگاه کلی به کسانی که در ده سال اخیر جایزه به آن‌ها اهدا شد، نشان می‌دهد که این‌ها نویسندگانی هستند که سابقاً فقط برای بزرگسالان می‌نوشته‌اند و این جایزه را به دلیل اولین اثر خود در عرصه ادبیات کودک، دریافت کرده‌اند، به عنوان مثال: منسی ون کیولن (Mensje van Keulen)، گووس میداگ (Guus Middag) و تون تل لی گین (Tellegen Toon). هر چند این نویسندگان، اغلب برای آخرین کتاب‌های (کودک) خود نیز جایزه گرفته‌اند. مانند نویسنده دو خواننده تون تل لی گین که بیشترین جایزه Libris Woutertje Pieterse را به خود اختصاص داده است.

هرچند ویژگی والای کتاب‌های برندگان جایزه، قطعی و مسلم است، احتمالاً براساس آن چه قبلاً ذکر شد، وابستگی نویسندگان مذکور به ادبیات بزرگسالان که نیاز ادبیات کودک برای محو مرزهای بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال است و نیز شأن والای این نویسندگان، در کسب این توفیق، بی تأثیر نبوده است.

اعطای جوایز ادبی به نویسندگان برجسته ادبیات بزرگسال، یا فراتر گذاشتن از حد و مرزهای سنتی و (قدیمی) و کمک برای پایه ریزی یک وجهه مثبت برای ادبیات کودک است. عکس این موضوع نیز در ادبیات بزرگسال رخ داده است. نامزدی یک کتاب کودک،<sup>۱۴</sup> برای دریافت یکی از مهم‌ترین جوایز ادبی ویژه ادبیات بزرگسال در هلند، جایزه Ako برای ادبیات، موجب برانگیختن اعتراض و مخالفت تنی چند از برجسته‌ترین منتقدان، به وابستگی ادبیات کودک به ادبیات بزرگسالان گردید. یک سال بعد، برای جلوگیری از تکرار مجدد این امر، قوانین تغییر یافت. اهدای جایزه ادبیات بزرگسال به کتاب کودکان، به شهرت و اعتبار ادبیات بزرگسال لطمه می‌زند و اهدای این جایزه به کتاب کودک، هرگز قابل مقایسه با اختصاص یک شماره خاص (از مجله‌ای) به ادبیات کودک یا بذل توجه در کتاب تاریخ ادبیات که - در آن ادبیات کودک به دقت از ادبیات بزرگسال متمایز است - نیست. یک جایزه، مظهری آشکار از ویژگی والای گیرنده جایزه است!

## نقد و بررسی های هفتگی، به شکل ضمایم فرهنگی، همراه با مطالعات ادبی و جوایز، معیار خوبی برای ارزیابی میزان پیشرفت در زمینه ادبیات است

کودکان و ن کیولن و نیز آثار بزرگسال او، بلافاصله این حقیقت به ذهن می‌رسد که آثار کودک او کم‌تر نقد و بررسی شده است (به طور متوسط سیزده نقد برای کتاب‌های کودک و شانزده نقد برای کتاب‌های بزرگسال او). از این گذشته، نقد و بررسی‌های انجام شده بر کتاب‌های کودک او به میزان چشم‌گیری کوتاه‌تر از نقد و بررسی کتاب‌های بزرگسال اوست. در نقد آثار کودک او به طور متوسط از ۳۱۴ کلمه استفاده شده، در حالی که منتقدان در نقد آثار بزرگسال او، به طور متوسط از ۸۴۶ کلمه استفاده کرده‌اند علاوه بر آن، در نقد آثار کودک او، بند (پاراگراف)‌های بیشتری به بازگویی و نسخه‌برداری از مضمون و درون‌مایه آثار اختصاص یافته تا در نقد آثار بزرگسال وی، اکثر نقدهای کتاب‌های کودک او به شرح محتوا پرداخته و در پایان، با ارزش گذاری مختصری - در اغلب موارد بی دلیل و استدلال - پایان یافته است.

نقدهای انجام شده بر آثار ون کیولن، ظاهراً نشانگر آن است که نتایج یک بررسی تحقیقاتی پژوهشی که در دهه ۱۹۸۰، مورد پذیرش بود، هنوز<sup>۷</sup> کاربرد دارد.

در این بررسی، محققان به کیفیت نازل نقدهای ادبیات کودک اشاره کرده بودند که ناشی از عدم تعادل بین شرح و توضیح محتوا (مضمون) و اقامه برهان و استدلال است.

تفاوت مهم دیگر بین نقدهای کتاب‌های کودکان و نقادی کتاب‌های بزرگسالان، این است که در کتاب‌های گروه اول، استفاده کنندگان و خواستاران احتمالی کتاب و نیز سن مناسب برای خواندن آن کتاب و نوع کودکانی که این کتاب برای آن‌ها مناسب است، اغلب ذکر می‌شود. بررسی و پژوهش‌های ادبی، بیش از پیش توجه خود را معطوف جنبه‌های ادبی اثر (کودک) می‌کنند، درحالی که نقدهای روزنامه‌ای، فاقد این جنبه است.

مناسب‌ترین توضیح برای این موضوع، خوانندگان این نقدهاست. منتقدان ادبیات کودک، نقدهای خود را ابتدا برای خریداران عمومی کتاب‌های کودکان که سرپرستان و مسئولان کودکان هستند، می‌نویسند؛ کسانی که عمدتاً مایلند بدانند که چه کتاب‌هایی برای کودکان تحت تربیت آن‌ها مناسب و جالب توجه است.

و نیز به نظر می‌رسد که این گروه از خوانندگان، مسبب توجه سطحی و کم‌مایه منتقدان به این مسئله هستند که نویسندگان دو خواننده‌ای مانند ون کیولن، نوع رابطه بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال را تا چه حد تغییر می‌دهند. سرپرستان و مسئولان کودکان، به مسئله شأن و منزلت اجتماعی ادبیات کودک، هیچ علاقه‌ای ندارند.

هنگامی که ون کیولن، حرفه خود را به عنوان نویسنده کودک آغاز کرد، منتقدان فقط به بیان این که وی برای بزرگسالان نیز می‌نویسد، بسنده کردند. منتقدان آثار بزرگسال ون کیولن، توجه زیادی به ارتباط بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال نشان ندادند. در حقیقت، این موضوع فقط در نقدهای کتاب «کمان سرخ» (The red bow, Derode strik) دیده می‌شود؛ زیرا این کتاب از منظر دید کودکان نوشته شده است.

پس از اولین کار او به عنوان نویسنده کودک، منتقدان اندکی در نقد کتاب‌های بزرگسال وی، این نکته را که او برای کودکان نیز می‌نویسد، متذکر شدند. این به نوبه خود، امر تازه‌ای است؛ زیرا منتقدان کتاب بزرگسال، معمولاً هیچ وقت از نویسندگان کودک نامی نمی‌برند. با نگاهی نزدیک‌تر به آن‌چه درباره ادبیات کودک نوشته می‌شود، می‌توان پی برد که منتقدان، در آثار بزرگسالان بیشتر به ویژگی‌های ادبی اثر استناد می‌کنند تا در ادبیات کودک. اشاره منتقدان به ویژگی‌های ادبی، عموماً هنگامی است که ویژگی‌های منفی را در رمان‌های بزرگسال ون کیولن می‌یابند و به موجب آن، به (ژانرها) ادبیات کودک استناد می‌کنند. برای مثال، رمان بزرگسال او (Adultery overspel)، به دلیل افزونی کلیشه‌ها در آن، مورد انتقاد قرار گرفته است. به نظر یک منتقد، این کلیشه‌ها یادآور نزدیکی و ارتباط با

### تحقیقات ادبی

نقد و بررسی‌های هفتگی، به شکل ضمایم فرهنگی، همراه با مطالعات ادبی و جوایز، معیار خوبی برای ارزیابی میزان پیشرفت در زمینه ادبیات است. بنابراین، سؤال منطقی این است که آیا به موضوع داد و ستد مرزی و نقش نویسندگان دو خواننده، در پژوهش‌های ادبی، از سوی منتقدان دو نظام ادبی، به یک نسبت توجه لازم شده است یا خیر؟ پاسخ این سؤال، از طریق بررسی آثار نویسنده‌ای که آثارش با استقبال منتقدان رو به رو شده، به دست خواهد آمد.

ون کیولن، اولین اثر خود را با نام «تابستان بلیکیر» (Bleeker's summer, Bleekers zomer) برای بزرگسالان به چاپ رساند. از آن پس، او دوازده کتاب برای بزرگسالان نوشت. آخرین رمان او «فیل‌ها در تور» (on web, Olifanten op een web) (Elephants)، در سال ۱۹۹۷ منتشر شد. اولین اثر او به عنوان نویسنده کودک، در سال ۱۹۸۵، داستانی فانتزی به نام «ایستگاه تومی» (Tommie station) بود. تازه‌ترین کتاب کودک او «مراقبت از بیژ» (Beware of Bez, Pasop Voor Bez) در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید. هنگام مقایسه (تعداد) نقد و بررسی‌های انجام شده روی کتاب‌های

کتاب‌های دختر بچه‌هاست.

منتقدان ادبی آثار بزرگسال و نقدنویسان ادبیات کودک، در ارزیابی خویش از آثار ون کیولن، در یک نقطه با یکدیگر اتفاق نظر دارند. در اکثر نقدها، قطع نظر از مخاطبانی که کتاب برای آن‌ها نوشته شده، سبک او مورد تمجید قرار گرفته است. بارها اظهار گردیده که ون کیولن، نویسنده‌ای است که واضح و بدون تکلف می‌نویسد و توانایی پدید آوردن فضایی خاص را دارد. در نقد ادبیات کودک، یک داستان گوی خوب، بیشتر از سر ناچاری مورد تمجید و تکریم قرار می‌گیرد. به علاوه، هرگاه نویسنده‌ای بتواند خودش را با دنیای تخیلی کودکان سازگار کند، موفقیت او تضمین شده است و منتقدان بر این عقیده‌اند که ون کیولن، توجه بسیاری به دنیای خیالی کودکان دارد.

در نظام ادبی بزرگسالان، تنها قصه گوی خوب بودن، برای تاییدیه گرفتن، کافی نیست. به همین دلیل، تعداد کمی از کتاب‌های ون کیولن که فاقد ویژگی‌های دیگر، غیر از سبک خوب است، سرانجام با تقدیر و تحسین منتقدان مواجه نشده است.

برای پاسخ به این سؤال که آیا تقدیر و تحسین ون کیولن در نقدهای ادبیات کودک، به سبب منزلت و جایگاه او به عنوان یک نویسنده بزرگسال نویس است، اظهارات صریح و آشکاری (از منتقدان) در دست نیست که بر اساس آن بتوان قضاوت کرد. هرچند تعداد نقدهایی که به اولین کار او Tommie station اختصاص یافته ۲۸ نقد و اهدای جایزه لوح مداد نقره‌ای، قابل توجه است.

نویسندگانی که اولین کتاب کودک خود را منتشر می‌کنند، معمولاً به این موضوع که آیا قبلاً برای بزرگسالان کتابی نوشته‌اند یا خیر، بی‌توجه‌اند. علاوه بر این، ارجاعات زیاد به کتاب‌های بزرگسال ون کیولن، در نقدهای کتاب Tommie station، به سبب این حقیقت است که وی سابقاً نویسنده برجسته‌ای در زمینه ادبیات بزرگسال بوده است. هر چند این دقت نظر و توجه به بخشی از آثار او، در نقد آخرین کتاب‌های کودک او، دیده نمی‌شود.

برای منتقدان بزرگسال، این حقیقت که ون کیولن، از سال ۱۹۸۵ برای کودکان می‌نویسد، کم‌ترین اهمیتی ندارد. نویسنده با نوشتن برای کودکان، شأن و منزلتی کسب نمی‌کند. برعکس، گفته می‌شود رویکرد او از ادبیات بزرگسال به ادبیات کودک، عمدتاً جنبه منفی حرفه اوست.

#### نتیجه‌گیری

استقلال ادبیات کودک، و رها کردن آن در نظام ادبی کودک، به مباحث ساختاری بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال منجر گردید. این مباحث، هر چند اندک اندک، راه خود را به سوی نظام ادبی بزرگسال گشوده است. این توجه و علاقه به ادبیات کودک و دلیل آن (رها سازی ادبی ادبیات کودک)، آشکارا به تعداد اندکی نویسنده بزرگسال، مجوزی برای توسعه شعاع تاثیر (کنش) خویش داد. به نظر می‌رسد که این موضوع، حداقل دلیل موجهی برای شمار رو به افزایش نویسندگان دو خواننده، در پانزده سال اخیر باشد. هرچند چنین پیشرفتی در حرفه ادبی، بدیهی و مسلم نیست، شاهدهی بر این حقیقت است که تعداد کثیری از این نویسندگان دو خواننده، ناچارند که وضعیت خود را به نوعی موجه جلوه دهند. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که مصرانه در پی آنند که مرز بین ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال را از میان بردارند. یک نمونه خاص در این مورد، نیکلاس متسییر (Nicolas Matsier)، نویسنده برجسته آلمانی است که در پاسخ به این سؤال که چرا به نوشتن برای کودکان آغازید، چنین گفته:

«گاه شاعر تصمیم به نوشتن نثر می‌گیرد یا برعکس. گاه کسی با به دست آوردن موقعیت تازه‌ای، ژانر جدیدی را انتخاب می‌کند. تاجایی که به من مربوط است، تنها می‌توانم امیدوار باشم که تعداد بیشتری (از آن چه هست) نویسنده، در طلب ماجراجویی برآید.»<sup>۱۸</sup>

نوشتن کتاب کودک (برای یک نویسنده)، هم‌چون گزینش یک نوع

دیگر ادبی، سوای آن چه به طور معمول می‌نویسد، به شمار می‌رود. ظاهراً جایگاه و منزلت نازل ادبیات کودک، انگیزه از میان برداشتن آگاهانه حد و مرزهاست. انکار این حد و مرزها، تلاش برای رهایی از این منزلت نازل است. نظیر چنین پدیده‌ای در خود نظام کودکان، در طول سال‌ها به وقوع پیوسته است. شاویت (Shavit)، نشان می‌دهد که چگونه نویسندگان کتاب کودک که در نظام ادبیات کودک بسیار ارزشمند و گران‌قدر هستند، برای افزایش منزلت و شأن خویش، سعی در انکار نویسندگی برای کودکان دارند.<sup>۱۹</sup> نویسندگان دو خواننده، به سهم خویش، مسئول این حقیقت هستند که منتقدان توانا و مقتدر ادبیات بزرگسال، هر از چند گاهی به ادبیات کودک هم توجه کنند.

می‌توان انتظار داشت که توجه مستقیم به این امر، بر شناسایی ادبیات کودک در پژوهش‌های ادبی، تأثیر مثبت بگذارد و این (تنها راهی است که) شأن و منزلت ادبیات کودک را بالاتر می‌کشد.

#### پی‌نوشت‌ها:

**توضیح مترجم:** واقفم که اصطلاح «نویسندگان دو خواننده»، اصطلاح دقیقی و چندان گویایی به نظر نمی‌رسد. با وجود این، این نزدیک‌ترین جایگزین فارسی است که برای آن یافته‌ام.

منبع

۱. Transcending boundaries / Sandra. Beckett.

۱ - Dual - readership authors

۲ - هر از گاهی، کتاب‌هایی که در یک کشور خاص، برای بزرگسالان نوشته و منتشر می‌شود، وقتی وارد کشور و یا سرزمین دیگر می‌شود، به عنوان کتاب کودک چاپ می‌شود. هم چنین، این مسئله مصداق زمانی نیز دارد. بدین ترتیب که کتابی که در یک زمان خاص، به عنوان کتاب بزرگسال تلقی و چاپ می‌شده، در دوره و زمان دیگری، به عنوان کتاب کودک شمرده می‌شود. این گونه نویسندگان، جزوه گروه نویسندگان دو خواننده محسوب نمی‌شوند؛ چرا که چنین اتفاقی، بنا به خواست و اراده نویسنده نبوده است.

۳- Dutch - Speaking regions

۴- Zohar shavit, poetics of children's literature children in ۵- for English - language area, see Marian -yclopedia of children's Allsobrook major authors work for ed Peter Hunt and Sheila Ray International companion encyclopedia of children's literature,

۶- Meyer Howard Abrams the mirror and the lamp romantic theory and the critical

۷- Polygraphy

۸- David Galef (Grossing Over) Over ۹- For english - language area see als Galef, Grossing

۱۰- Peter Van den Hoven, Grensverkeer. eerste ۱۱- See for example Harry Bekkering Oktober onaal uit gereikt. ۱۹۵۵ be Gouden Griffel wordt voor de ۱۲- Raster (۱۹۹۱)

۱۳- M. A schenke veld - van der Dnssen et al. eds Nederlands literature een gesch - a - time) ۱۴- Bregje Boonstra (once upon a time there was a once upon in english. ۱۵- James ousby, e'd, the cambride Guide to literature

۱۶- For example, poetics today ۱ (۱۹۹۲).

۱۷- Anne Vegter, Vers bekken! (fresh faces!) child is born for ۱۸- Nicolaas Matsier, een kind is voor literature). literature in de wieg gelegd (A literature. ۱۹- Zohar shavit, poetics of children's